

Subject: _____

Date _____

حقوق تجارت ۱

گردآورنده: محمد امین شریفی

استاد: دکتر قافی

تجارت و معاملات تجاری

هقوق : دانشی که به تنظیم روابط جامعه می پردازد.

تجارت : معامله و داد و ستد به قصد سود و انتفاع

منظور از حقوق تجارت : رشته ای از حقوق خصوصی که به تنظیم روابط تجار و معاملات تجاری می پردازد.

نکته :

حقوق تجارت از دل حقوق مدنی بوجود آمده است، زیرا در برخی موارد حقوق مدنی پاسخگوی مسائل نبوده و برای همین از دل آن حقوق تجارت بوجود آمد.

یعنی در قانون مدنی قواعد کلی بیان شده و در قانون تجارت استثنائات در مورد تجارت بیان شده، پس این در قانون تجارت در مورد مسئله ای قانونی بیان شده بود به جهان کلیات قانون مدنی الكفایه کنیم.

محمور اصلی حقوق تجارت چیست ؟

دیدگاه شخصی : حقوق تجارت در مورد تجارت است.

دیدگاه موضوعی : حقوق تجارت در مورد معاملات تجاری است.

قانون گذار ما هر دو دیدگاه را در نظر داشته است.

طبق ماده ۲ او قانون تجارت دیدگاه موضوعی مد نظر است و طبق ماده ۳ قانون تجارت دیدگاه شخصی.

تاریخ حقوق تجارت :

اولین حقوق تجارت مربوط به کشور فرانسه بود که در سال ۱۶۷۳ [که ساواری] نوشته شد. بعدها انقلاب کبیر فرانسه صورت گرفت. در سال ۱۷۸۹ اصل آزادی تجاری صورت گرفت.

در سال ۱۸۰۷ قانون تجارت فرانسه تدوین شد [که تجاری ناپلئون] در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ بازنگری جدی صورت گرفت. حقوق تجارت ایران از دوران مشروطه شروع شد که حدوداً

عمر آن حدود سال است [۱۲۸۵ هجری] در سال ۱۲۸۹ قانون نكول و برات در سال ۱۲۹۴ قانون تگللی محاکم تجاری، ۱۳۰۲ و ۱۳۰۴ بنشود می از قانون تجارت ایران

تصویب شد. در سال ۱۳۱۱ قانون تجارت ایران تصویب شد که سینه‌ی آن همان قانون ۱۸۰۷ فرانسه بود.

در سال ۱۳۴۷ لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت تصویب شد که در این ماده ۳۰۰ آمده است که تماماً در مورد شرکت‌های سهامی است که جایگزین مواد ۲۱ تا ۹۳ قانون ۱۳۱۱ شد. یعنی آن ۷۳ ماده برای شرکت‌های سهامی تأثیری ندارد.

اصل بنیادی در حقوق تجارت ۱

(۱) اصل سرعت

(۲) اصل آزادی ادله اثبات

[یعنی خیلی راحت می‌تواند ادله‌ی خود را ثابت کند.] مثل دفتد تا جدر که اگر چیزی طبق قوانین خاص در آن ثبت شود از او به عنوان مدرک قبول می‌شود.

(۳) اصل تضمین و اعتماد سازی

در ضمانت گفته می‌شود نقل ذمیه الی ذمه ماده ۶۹۸ ق. ۴۰. اما اهل سنت می‌گویند ضم ذمیه الی ذمه در حقوق تجارت ضمانت دو نفره یا چند نفره را بیان می‌کند یعنی قول اهل سنت.

مثلاً اگر من مستقلاً چیزی نوشتم و آقای زید شیت یک را امضاء کرده باشد در صورت پاس شدن یک شخص می‌تواند هم از من شکایت کند که صاحب یک هستم و هم از زید که شیت آن را امضاء کرده.

شرکت‌هایی هم داریم به نام شرکت‌های تضامنی یعنی اگر برای مثال شرکت در شرکت تفاوت از عهدی طلبکار آن بر آید، طلبکاران می‌توانند از خود شرکت یا از خودشان شکایت کنند یعنی می‌توانند از خود شرکتی شکایت هم شکایت کرد.

ماده ۴۰۲ و ۴۰۳ ق. ۴۰ یعنی اختیار با طلبکار است و هم در مقابل او ضامن هستند.

نکته:

در حقوق تجارت اصلی به نام اصل بر مسؤلیت تضامنی نداریم.

منابع حقوق تجارت ایران :

۱. قانون : اولین و مهم‌ترین منبع است

۱- قانون اساسی : کلیات حقوق تجارت در آن بیان شده است مثل اصل ۱۳۲۸ زار و انتخاب
شکل [۴۳ و ۴۴

۲- نظرات تفسیری شورای نگهبان ، سایر نظرات شورای نگهبان ، مصوبات مجمع تشخیص

۳- قانون عاری :- قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ که برترفته از قانون ۱۸۰۷ فوایم است .

- لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ که در آن ۳۰ قانون در مورد شرکت های سهامی جایگزین

قانون ۱۳۶۱ شده است [یعنی این ۷۲ قانون در مورد شرکت های سهامی

اجرا نمی شود و در مورد شرکت های دیگر اعتبار دارد]

- قانون اداری امور شخص و شرکت ۱۳۱۸

- قانون یک ۱۳۵۵ که سه بار اصلاح شده [در سال های ۷۲ ، ۷۴ و ۸۲]

- قانون بانکی [قانون پول و بانک ۱۳۵۱ و بانکداری بدون ربا ۱۳۶۲]

- قانون بیمه ۱۳۱۶

- قانون مربوط به دلالان ۱۳۱۷

- قانون شرکت تعاونی ۱۳۵۰

- قانون ادراخ بهادار ۱۳۸۴

- قانون تجارت الکترونیک ۱۳۸۲ و ...

و هم چنین قانون مدنی خود منبع از منابع است [یعنی در موردی که این قانون لغات ندارد به قانون مدنی

رجوع کنیم]

نکته :

مگر این است که قانون هم در مدنی باشد هم در تجارت ، در صورتی که با هم تعارض نداشته باشد به هر دو عمل
می شود . مگر این است در مدنی باشد ولی در تجارت نباشد و بالعکس این هم مسئله ندارد ، اما اگر در هر دو
بود با هم تعارض داشتند قانون تجارت قانون مدنی را تحقیر می زدند .

۴- منابع فقوی

۵- مصوبات قوه مجریه

۲. عرف [عرفی های تجارت] : البته عرف به تنهایی در اسلام منبع نیست مگر در تحقیق موضوعات

یعنی عرفی که قانون ما را به آن عرف ارجاع داده است منبع است .

۳) روی قضایی [یعنی روشن عملی قضات] : البته روی قضایی الزام آور نیست ، یعنی یک قاضی بگوید
اسان یک حکم دهد و سال بعد یک حکم دیگر و آنچه که الزام
آور است رای وحدت رویه است . یعنی این رأی مانند
قانون لازم الاجرا است .

منابع

گاهی خود قانون به عرف ارجاع داده است مانند ماده ۲۲۰ [عودت فقها متعالمین را به اجراء
همین که در آن تصریح شده است ملزم می نماید بلکه متعالمین به کلی نیایند هم که موجب عرف و عادت
یا به موجب قانون از عقد حاصل می شود ملزم می باشند] . ماده ۳۴۴ ، ۳۵۶ ، ۳۵۷ ، ق.م.
ماده ۳۶۶ ، ۳۶۷ ، ۳۶۹ ، ق.ت

تعارض عرف با قانون :

باید دیده شود قانون چگونه است -

قانون یا امری [آمده] است مثل قانون مجازات و تجارت به غیر تواند بر عرف آن
توافق کرد بلکه باید طبق قانون باشد

کلیلی [تفصیلی] است مثل مجازات که تحقق می تواند باشد کلمه تمام مجازات
را بردارد به غیر توان بر خلاف آن توافق کرد .

در نتیجه : اگر عرف مخالف قانون امری باشد این عرف هیچ ارزش ندارد و قانون مقدم
است اما اگر عرف مخالف قانون کلیلی باشد عرف مقدم است .

۴) دلالتین حقوقی : دلالتین منبع غیر مستقیم هستند .

۱- در روند تصویب قانون تأثیر ندارند .

۲- در مقام اجرای قانون قضات هم قانون را تفسیر می کنند و این تفسیر بر اساس
دلالتین حقوقی است .

۳- بعد از تصویب قانون دلالتین حقوقی قانون را نقد و بررسی می کنند .

منابع بین المللی :

آنچه می تواند در قانون تجارت داخلی تأثیر بگذارد

ماده ۹ ق.م. [مقررات عمومی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است] .

تعارض بین معاهدات و خود قانون داخلی و

در حقوق بین المللی معاهدات مقدم بر قانون داخلی است زیرا معاهده بین المللی است اما قانون داخلی برای یک کشور است .

اعمال تجاری 3 معامله تجاری و

فواعد شناخت تاجر و معاملات تجاری ← (۱) اجرای قواعد و احکام تجاری مثل در شکستگی و غیر معلوم می شود : اما اگر شخص تاجر نباشد احکام در شکستگی بر او بار نمی شود بلکه احکام اعیان بار می شود .

(۲) بر این ایبات دعوا احکام تاجر از غیر تاجر فرق دارد (مثل دفتد تاجر که به نفع خود تاجر سند است . هم چنین باید دعاوی تجاری باشد تا دفتد تاجر سند باشد اما اگر دعاوی از نوعی باشد دفتد تاجر سند نیست .

(۳) دادرس بر این تعیین شخص صلاحیت دادگاه مطلق .

(۴) دولت ها و مردم در زمان ها که در دعاوی تجاری از غیر آن متفاوت است .

(۵) برای تاجر تحت تیره های گوناگونی شده است مثل مسئولیت قضائین

(۶) در مسئولیت حاکم نقل که اگر تاجر باشد مسئولیت او سنگین تر است .

نکته :

قانون در مورد معامله تجاری تعریفی بیان نکرده است و فقط مصداق آن را نکرده است .

معامله تجاری : منظور قرار دادها و معاملاتی است که توسط تاجر به صورت مستمر به قصد سود و انتفاع انجام می شود . برخی معیار های دیگر را شماره اند مثل داشتن سازماندهی و تکلیفات

هر معامله ی تجاری باید به قصد سود و انتفاع باشد اما ممکن است یک امری به قصد سود و انتفاع باشد اما معامله ی تجاری نباشد مثل کشاورزی .

انقسام معاملات تجاری :

۱) ذاتی : معاملات که در ماده ۲ مشاهده شده [خرید یا تحویل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا

اجاره عام از اینم تصدیق شده در آن شده باشد یا خیر]

۲) تبعی : معاملات که در ماده ۳ مشاهده شده [معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن معامله کننده یا این

از آنها تجاری محسوب می شود] ۱- ملکی معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانکها ۲- ملکی معاملات

که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجاری خود نمایند ۳- ملکی معاملات که ... ۴- ...]

ملکی ✓

اگر به جای معامله تجاری عملیات تجاری یا فعالیت تجاری بیان می شد بهتر بود.

مفردات ماده ۲ : تحویل : یعنی بلوغ این مالکیت آن را به دست آوردن از راه صلح ، صیارت یا قمار

مال منقول : مالی که قابلیت جابجایی دارد بدون اینکه به خود و یا به جای خود صلح میزند

مثل ماشین ، ادوات بهداشتی ...

ماده ۵ قانون مملک آپاרותان [شکر گوییم که ...]

موضوع خواسته از این ماده استفاده شد که خرید مال غیر منقول هم جزء معامله تجاری است و حال

اینکه می توان از این ماده چنین برداشت کرد.

تصرف : اساسی مثل خرید خوب و ساختن مثل

جزئی مثل اسیرت کردن ماشین

آنچه در قانون بیان شده تصرف جزئی است و این اثر تصرف اساسی باشد بطور

این محل تجاری نیست ، [یعنی پیشه ویر تاجریست]

پس خرید به قصد فروش محل تجاری است نه خرید به قصد عمل .

سوال :

در قانون بیان شده که اگر چیزی را به قصد فروش بجز در این معامله تجاری است مال آیا این فروش

هم معاملاتی تجاری است ؟

برخی گفته اند چون در قانون بیان شده تجاری است اما بعد این گفته اند که این سود و نفع یا خرید و

فروش به دست می آید پس فروش هم جزء معامله تجاری است .

ماده ۲ بند ۲ [مقصدی حمل و نقل از راه خشکی ، آب و هوا به هر نحوی که باشد]

مقصود : در عنای مقصدی راه انداختن رفتار ، نگاه ، شرکت نهفته است .

حمل و نقل : هم حمل کالا و هم حمل مسافر را شامل می شود .

مواد ۳۷۷ به بعد قانون تجارت به بحث قرار داد حمل و نقل پرداخته است .

مسئولیت مقصدی حمل و نقل :

ماده ۵۱۶ ق ۲۰ [مقصدات مقصدیان حمل و نقل اعم از اینکه از راه خشکی یا آب و هوا باشد برای

حفاظت و نگهداری اشیائی که به آنها سپرده می شود همان است که برای امانت داران

مقرر است بنا بر این در صورت تفویض یا تعویض مسئول تلف یا ضایع شدن اشیائی

خواهند بود که برای حمل به آنها داده می شود و این مسئولیت از تاریخ تحویل اشیاء به آنان

خواهد بود .]

بین در حقوق مدنی مقصدی امین است و امین ضامن است [اصل عدم ضمان است] مگر در صورت

تقصیر و تفویض و در این صورت اثبات تقصیر [کوتاهی مقصدی] بر عهده می زیان دیده است .

ماده ۳۸۲ ق ۲ [اگر مال بقاره تلف یا گم شود مقصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر

اینکه ثابت خایر تلف یا گم شدن مربوط به منی خود مال بقاره گام مقصدی تقصیر ارسال

گشته یا ارسال الیه و یا ناشی از تعلیاتی بوده که مبلغ از آنجا داده اند و یا مربوط به حوادثی

بوده که هیچ مقصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری کند . قرار داد طرفین می تواند

برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا زیاد تر از قیمت کامل مال بقاره تعیین نماید .]

بین مقصدی حمل و نقل مسئول و ضامن است [اصل بر ضمان است] مگر در صورت عدم تقصیر او .

عدم تقصیر مقصدی ← ۱- تلف مربوط به منی باشد ۲- مستند به تقصیر فرستنده باشد ۳- مستند به تقصیر

گیرنده باشد ۴- حوادث غیر قابل پیش گیری .

اثبات عدم تقصیر بر عهده می مقصدی حمل است .

راه حل تعارض بین ۲ ماده :

قانون مدنی مأم است و شامل هم می شود اما قانون تجارت شامل تجارت است . بین قانون تجارت

قانون مدنی را تخصیص می زند یعنی باید گفته شود که هم امین هستند الا تا حدی که ضامن است .

منهای فقره [گوید در قرارداد حمل و نقل با نام تعدیه نتیجه شده است ، یعنی چون شخص مهارت در این کار

دارد این کار را به او سپرده اند تا شخص سالم تحویل دهد .]

البته در هر دو قانون مقصدی در صورتی که مقصد باشد ضامن است اما مقصدش در این است که در بدنه اصل بر عدم ضمان است اما در تجارت اصل بر ضمان است.

نکته: طبق انشعاری ماده ۳۸۶ طرفین می توانند قرارداد را کنند که بیشتر از میزان مال خسارت بدهند یا کمتر یا مساوی با مال پس شرط کاهش مسئولیت می تواند داشته باشند.

سوال: حال آیا می توان این شرط کاهش مسئولیت را به شرط عدم مسئولیت رساند که طرف بگوید اگر کم شد من مسئولی نزارم؟

برخی گفته اند صحیح نیست زیرا مسئولیت هنوز ایجاد نشده که بخواهیم اسقاط کنیم. جواب صحیح اینست که ایجاد شده باشد شرط برائت عدم ذمه نیز شک.

برخی این را خلاف نظم عمومی دانسته اند مانند خسارت حای حیوانی که شرط عدم مسئولیت را نیز برده اند.

برخی گفته اند چون در قانون بیان نشده نمی توانیم شرط عدم مسئولیت را بپذیریم. برخی گفته اند هر دو زیر امضای با قواعد عمومی معاملات ندارد.

تعمیر ما به نظر می رسد شرط عدم مسئولیت پذیرفته است مگر در مواردی که به خلاف نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد. مثلاً اگر من محل جراحی کردم و تخفیف فوت کرد و این فوت بخاطر جراحی است یا من بود اگر عدم مسئولیت داشته باشم این برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه است.

راه حل عدم مسئولیت مقصدی: بهیچ کردن مال و گرفتن پول از خود کسی که مال را به مقصدی سپرده است.

ماده ۲ بند ۳: هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمسیون) و یا عاملی و هم چنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد میشود از قبیل تسویه معاملات ملکی یا بید کردن خدمه یا تجمیع و رسانیدن ملزومات غیره. [۱]

دلال به ماده ۳۲۵ به بعد است. [۲] دلال تخفیف است که در مقابل اجرت و واسطه انجام معاملات می شود یا برای تخفیف که مایل به انجام دادن معامله ای است، طرف معامله بدهای کند. [۳] پس دلالی یکی محل تجارتی است.

قانون دلال رضامن تلقی کرده است. ماده ۳۳۹ آ دلال مسئول اشیاء و اسنادی است که در جریان معامله به او داده شده، مگر اینکه ثابت کند ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مذکور ناشی از علتی است که به شخص یا خدمه و کارکنان او نبوده است.

نکته:

۱- دلال ضامن و مسئول انجام تعهدات طرفین نیست، هم چنین دلال ضامن ملائمت طرفین نیست مگر اینکه خود دلال ضامن کند یا معامله به اعتبار دلال صورت گرفته باشد. هم چنین خود دلال اگر در معامله سهیم باشد دلال ضامن و مسئولیت تضامنی دارد.

۲- دلال مسئول صحت اسنادی است که در حضور او تنظیم شده است.

ماده ۳۳۷ آ دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجع به معاملات مطلع سازد و لوائیکه دلال را فقط برای یکی از طرفین بگذرد دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول تعقیب و تعصبات خود می باشد.

ماده ۳۴۲ - ۳۴۳ - ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۴۶ - ۳۴۷ ق. ت.

حق العمل کاری (کمسیون) - حق العمل کاری کسی است که به نام خود و به حساب دیگری معاملات را انجام می دهد و در مقابل حق العمل کار دریافت می کند.

مثال ایند بگویم فروش من را بفروش و ده درصد آن را برای خود (اجرت، حق العمل) بردارم طرف مقابل از طرف من به نام خودش می فروشد، گویا مال خودش است. یعنی اگر فروش را از آن بفروشد ریال آن مال شماست زیرا به حساب شما فروخته می شود ولی فروشنده به مسترد می فروشد مال شماست و گویا خود فروشنده شخص اصیل است.

فروق حق العمل کار با رکیل:

- ۱- حق العمل کاری شبیه وکالت است با این تفاوت که در حق العمل کاری اسم طرف را نمی آورند، گویا خود حق العمل کار اصیل است. اگر حق العمل کار بگوید که از طرف فلانی می فروشم، دیگر حق العمل کاری نیست بلکه نماینده است.
- ۲- در وکالت ممکن است مجاز باشد در حالی که حق العمل کار در مقابل اجرت کار می کند.
- ۳- نماینده (وکیل) تقریبی در مقابل معامله کرده ندارد، اما حق العمل کار دارد.

و البته حق العمل کار با عامل و با شخص طرف معامله:

حق العمل کار در مقابل عامل مسئول انجام تعهدات مقابل نیست، اما از آنجایی که حق العمل کار اصیل حساب

شود پس باید تعهدات اصل را انجام دهد در مقابل شخص خریدار مسئول است.

نکته

۱- حق العمل کار اصل است برخلاف نماینده و وکیل، پس نماینده و وکیل تهردی در مقابل تحول مال یا ثمن ندارند (یعنی انجام تعهدات مولکش) ندارد، اما حق العمل کار تعهد دارد.

۲- در مورد حق العمل کار قواعد وکالت در موردش اجرا می شود جز مواردی که استثنای شده (امین است)، در حیطه اختیاراتش می تواند عمل کند.

تعریف حق العمل کار در ماده ۳۵۷ و قواعد حق العمل کار در مواد ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۲۴۷ بیان شده است.

تلف مال آمر توسط حق العمل کار → اگر تقصیر نداشته ← مسئول نیست

اگر تقصیر داشته ← مسئول است

اثبات تقصیر با صاحب مال است (حق العمل کار مثل وکیل و امین است).

عواملی → تعریف از عامل در قانون تجارت وجود ندارد بنابراین در تعریفش نزد حقوق دانان اختلاف است.

تعاریف → کسی که به نام دیگری و به حساب دیگری معامله کند و اجرت می گیرد «هان وکیل».

کسی که به نام خود و به حساب خود معامله می کند «هان تا جهر مستقل و اصل».

کسی که به نام خود و به حساب دیگری معامله می کند «هان حق العمل کار» گفته شده

فروش با حق العمل کار در این است که، حق العمل کار برای همه کار می کند اما عامل

تنها بابت امر کار می کند نه همه (یعنی عامل انحصاری است). این تعریف فروعی است و اساسه با حق العمل کار ندارد پس این تعریف هم صحیح نیست.

عامل را تحت عنوان نماینده نام برده اند یعنی کسی که به نام دیگری و به حساب

دیگری معاملاتی را انجام می دهد، منتوی این نماینده از خودش هم استقلال دارد و

سرمایه و امکانات مستقلی دارد و بین آمر و عامل رابطه ای کارکرد کار فرما می

نیست، مثل عامل فروش محصولات سایپا [یک موقع طرف فقط وکیل است

و فقط از طرف دیگری می فروشد، یک موقع عامل است که خودش سرمایه و دفتر

و... دارد.]

تصدی به هر نوع تأسیسات برای انجام بعضی امور از قبیل تسهیل معاملات ملکی و ...
مثل کارهای خدماتی تبلیغاتی و ...

ماده ۲ بند ۴ و **[** کارهای تولیدی : تولید هم نوعی تجارت است **]**

تأسیس کارخانه ← همیشه تولید چیز جدیدی نیست و می توان صنایع بسته بندی باشد. (کارگاه محدودتر است نسبت به کارخانه) اصطلاح کارخانه شامل کارگاه هم می شود.

نکته:

۱. منظور از تأسیس کارخانه صرفاً تصدی و اداره ی آن است.
 ۲. کسب مثل تجارت، آژنتی، صافکار و ... عنوان کارخانه، کارگاه یا آنرا اطلاق نمی شود زیرا این اشخاص نان محل خود را می خورند و تا جر معسوب نمی شوند و پیشه ور هستند. اما اگر آنقدر کمترش بدانند که عرفاً تولید نان از محل خود نمی خورد بلکه از کار دستان نان می خورد، یا جر محسوب و شامل این بند می شود. [بعضی گفته اند مزر پیشه روی و تجاری تعداد کارگر های موجود است]
- ب عبارت دیگر: ← محل خود پیشه ور
نان از ← محل دستان و تأسیس شرکت و ... تا جر

نکته:

تعیین شرط برائت برای رفع حوائج شخصی نباید به معنای انقاع و سرودن از کارخانه است یعنی برای قصد شخصی و به قصد شخصی نباید.

ماده ۲ بند ۵ : **[** تصدی به حراجی : یعنی مال دیگری را در معرض فروش بگذارد و بالاترین قیمت بفروشد **]**

در حراجی شخص مقصد میزند و دهنده است مثلاً، گوید این ساعت قیمت اولی ۱۰۰ هزار تومان است و بالاترین قیمت را بیان می کند ایجاب را می گوید مثلاً شخص ۲۰۰ هزار تومان را قبول را شخص مقصدی می گوید یعنی رقم گفت به آقای فلانم فروخته شد و چنین گوید که این قبول شخص مقصدی است.

مزایده : مزایده هم مانند حراجی است با این تفاوت که در قرارداد های خاص صورت می گیرد مثلاً در اموال دولتی و در مزایده قیمت های داده شده از طرف شرکت کنندگان حقیقی داده می شود.

مناقضه : عکس مزایده است یعنی به پایین ترین قیمت.

ماده ۲ بند ۴: [حصدی به هر قسم یا ششاه عمومی]

مانند واکردن ششاه کتاب، ششاه ماسین، سالن سفید، سالن تئاتر و یا باغ وحش، موزه و... این عمل جزء امور تجاری است یعنی شخصی حصدی تاجر مصوب می شود، البته در صورتی که شخص او این عمل باشد، پس باید بار بر یا به نام ششاه تاجر مصوب می شود.

در این عمل حصدی استقفا وجود دارد.

ماده ۲ بند ۷: [عملیات صرافه و بانکی]

عملیات صرافه یعنی تبدیل پول یک کشور به کشور دیگر.

عملیات بانکی مثل افتتاح حساب، حساب جاری، اعطای تسهیلات بانکی و...

ماده ۲ بند ۸: [معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد]

برات سندی است که شخص به دیگری دستور می دهد مبلغ معینی، در تاریخ معینی به ثالثی بپردازد مانور یک وحوال.

صا در گذشته برات، برات کش یا حیل؛ که گزیده می شود که مبلغ را پرداخت می کند برات گیر یا محال علیه و به شخص ثالث، دارنده می برات یا محال علیه گفته می شود.

عملیات برواتی ← ۱) صدور برات ۲) قبول برات ۳) در صورت وانداری برات ظهر نویسی
۴) است نویسی (می شود) ۴) در صورت ضمانت میست برات امضاء می شود.

۵- تنزیل برات: یعنی برات را به قیمت پایین تر فروختن.

ماده ۲ بند ۹: [عملیات بیمه بگری و غیره]

بیمه ← بیمه تجاری: مبلغی را با حصد بود و استقفا دریافت می کند.

بیمه ← بیمه صافی: مثل بیمه تأمین اجتماعی

بیمه قرار داری است که در ضمن آن شخص متعهد می شود در قبال دریافت وجه ضمانت احتمالی طرف مقابل را جبران کند.

به شخص متعهد، بیمه گر، طرف مقابل، بیمه گزار و به وجه دریافت، حق بیمه گویند. [شخص بیمه گر تاجر]

محسوب می شود.

نکته ۱

- ۱- قای بیمه های زیر نظر بیم مرکزی کار می کند.
- ۲- بیمه ای باید توسط شرکت سهامی انجام شود و شخص حقیقی نمی تواند این کار را انجام دهد.

ماده ۲ بند ۱۰ [کشته سازی، خرید و فروش کتبی، کشته رانی، داخلی و خارجی و معاملات راجع به آنها]
ذکر این موارد بند ۱۰ لازم نیست زیرا در بندهای دیگر به آن اشاره شده بود.

سوال ۱

آیا مواد ماده ۲ حصری است و یا از باب نمونه است؟

در حقوق فرانسه این موارد به صورت حصری بیان شده زیرا دارای معالم تجاری هستند و موارد دعوی تجاری مشخص شده است، پس آنچه اهمیت موارد دیگر را وارد کنیم در صلاحیت دادگاه ها ذکالت کرده ایم. ولی در حقوق ایران چون معلوم تجاری نداریم پس از باب نمونه است ولی ظاهر این ماده حصری بودن آن را می رساند.

آیا در موارد ذکر شده تکرار شرط است و یا باینکه بار عملیات تجاری صورت می گیرد؟

در این موضوع اختلاف است زیرا در برخی از موارد، خود مورد تکرار را می سازد مانند تصدیق حمل و نقل ولی در موارد دیگر تکرار دوام فهمیده نمی شود در این موارد اختلاف وجود دارد.

درد دیگرگاه در حقوق تجاری:

- ۱- دیدگاه موضوعی: معاملات تجاری را محور اصلی قرار می دهد و در ضمن آن از تاجر هم بحث می کند.
- ۲- دیدگاه شخصی: تاجر را محور اصلی قرار می دهد. حال که تاجر را شناختیم، معاملات او را تجاری حساب می کنیم.

معاملات تجاری یعنی معامله ای را که تاجر انجام داده است و گویا هیچ کدام از آن ۱۰ بند ماده ۱۰ نباید. این دیدگاه، دیدگاه شخصی است و همه معاملات تاجر را، تجاری می داند. قانون ایران محور اول را اصل می داند و برای تکمیل، محور دوم را مطرح می کند.

سوال ۲

ماده ۳: [J معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجاری محسوب می‌شود:]

- ۱- کلیه معاملات بین تجار و کسب و صیرافان .
- ۲- کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر بواسطه حوائج تجاری خود می‌نماید .
- ۳- کلیه معاملاتی که اجزاء یا خزانه یا شاخه تاجر براساس امر تجاری ارباب خود می‌نماید .
- ۴- کلیه معاملات شرکتی تجاری .

سوال

در بنیاد اول بیان شد کلیه معاملات ، آیا شامل حوائج شخص و غیر تجاری می‌شود؟

برخی گفته اند بلیه ، هر معامله ای را انجام دهد تجاری است .

اما حقیقت این است که این نوع معاملات تجاری نیست ، بلکه فقط معاملاتی تجاری هستند که برای حوائج تجاری باشد و قانون بنیاد دوازدهم سهولت داده است .

یعنی قیدی که در بنیاد دوم ذکر شده باید در بنیاد اول هم بیان شود . شاهد برای این جواب موارد زیر است .

ماده ۵ [کلیه معاملات تجار ، تجاری محسوب می‌شود مگر آنکه ثابت شود معلوم مربوط به امور تجاری نیست]

ماده ۱۴ [دفاتر مذکور در ماده ۲ و سایر دفاتری که تجار برای امور تجاری خود بجا می‌نهند در صورتی که مطابق مقررات

این قانون مرتب شده باشند به شرح تجار ، در امور تجاری شریک خواهند داشت و در غیر این صورت

فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود .]

ماده ۱: [J تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری می‌دهد .]

کس : کس یعنی شخصی که در برگیرنده شغل حقیقی و حقوقی است .

شغل معمولی : یعنی شغل متداول و متعارف پس اگر شخصی دارای ۲ شغل باشد اگر شغل اصلی و متداول آن چیزی خواهد

تجاری باشد تاجر است ، اگر شغل فرعی او تجاری باشد و این شغل فرعی دارای متداول باشد چون

این مورد هم شغل معمولی او حساب می‌شود باز هم تاجر است ، اما اگر شغل فرعی آن معمولی در دارای دوام

نباشد تاجر محسوب نمی‌شود .

نکته :

برای اینکه شخص تاجر شناخته شود باید دارای ۲ شرط باشد :

(۱) تجارت شغل معمولی او باشد

(۲) تجارت به حساب خودش باشد ، پس شاخه تاجر محسوب نمی‌شود زیرا به حساب دیگری کار می‌کند .

نکته ۱

حق العمل کار تاجر است زیرا استقلال مالی دارد زیرا سود معامله برایش خودش است برخلاف کارگر که سود برایش اوست پس تاجر نیست.

برای استقلال به تجارت شخص باید دارای شرایط باشد:

- ۱) اهلیت → تمتع [قابلیت دارا شدن حق]: بنا بر قاعده هر کس دارای اهلیت تمتع تجاری هست همانگونه که دارای اهلیت تمتع مدنی است. اصل ۲۸ هر کس حق دارد شغلی را که بران مایل است و منافع اسلام و مصالح عمومی و حقوق ملت را نیز بر آن است.
- استیفاء [قابلیت اجماع حق]
- سبب بزرگیزه...

استثنائات در اهلیت تمتع تجاری:

- ۱) تجارت بگائغان در ایران مثل تعدی به محل نقل و اقامت که برای بگائغان ممنوع است و بنا انجام عملیات بجه گیری که برای بگائغان به طور مستمر ممنوع است.
- ۲) اهلیت تراستنج شخص حقیقی در بعضی از امور مثل بجه کردن. عموماً با عملیات بانکی نیز در این موارد شخص باید حقوقی باشد.
- ۳) منع زن در مشاغل منافی با مصالح خانواده. ماده ۱۱۷ شوهر می تواند زن خود را از حق یا مستقیم منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن یا مرد منع کند.

اهلیت استیفاء [مجبور نباشد]:

- ۱- بلوغ
 - ۲- عقل
 - ۳- رشد
 - ۴- بین صغیر، معنون و سفیه اهلیت ندارند.
- ماده ۵۸ امور حسبیه [ولی یا قیم می تواند در صورتی که مقتضی بداند به معجور اجازه ای استقلال به کار یا تسبیح این بدهند در این صورت اجازه نامبرده شامل لوازم آن کار هم هست.]
- باید توجه شود که صغیر غیر معنور و روان از این مورد خارج است زیرا از حیث عقلی جن معناست که این دو مورد را چیزی قانون برانیم بین منظور سفیه و صغیر همین است.

اشکال:

این قانون دارای تاهی فساد است زیرا امکان است صغیر معنور و سفیه در صورت ورشکستگی معجور شناخته شده و زندانی گردند. یعنی به این ماده اشکالات زیادی رفته شده است. پس باید این قانون تفسیر شود و تاجر باید بتواند در اموال تصرف کند تا ورشکسته شود. یعنی باید بتواند بر همه را ببرد ولی به هر رفته دهد که در این صورت ورشکسته است و ولی صغیر سفیه حق تصرف در مال را ندارد تا بتواند

برہم را برداشت کنند، پس نمی توان او را در شکست خواند. بر فرض که بتوان او را در شکست خواند، این در شکست منسوب به تقصیر نیست. زیرا مسئولیت لیفتری ندارد. پس در این جا منظور کارهای غیر تجاری است نه اینکه وقتی با او اجازه رهن کارهای تجاری انجام دهد. علاوه بر این بابت رعایت مصلحت طفل را کنیم پس انجام مسائل تجاری به نفع طفل نیست.

۱۲ رعایت مقررات :

مثلاً برای هر تجارتی نیاز به پروانه کیسب است. یا برای تأسیس کارخانه نیاز به موافقت اصولی است و یا برای بیمه موافقت بیم مرکزی نیاز است و...
این مقررات گاهی برای تمام شغل های تجاری است [مقررات عام] و گاه برای بعضی از شغل های تجاری [مقررات خاص] که این مقررات باید تماماً رعایت شوند.

تکالیف و الزامات تجاره

۱) دفتر ثبت تجاری و ماده ۱۶ در قاعده که وزارت عدلیه متصرف دانسته و دفتر ثبت تجاری تأسیس کند [ثبت دفتر ثبت تجاری] کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثناء کسبه جزو باید در صورت مقررات اسم خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند و الا به جرایم تعدی از دولت تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد.

نکته :

مدت مقرری که در قانون بیان شده حد اکثر یک ماه است.

فوائد ثبت :

- ۱- فایده عمومی ← جمع آوردن اطلاعات و برنامه ریزی دولت برای اقتصاد.
 - ۲- اماره امن [اماره قضایی] برای تاجر شناختن شخص است. فایده عمومی خصوصاً یعنی مثلاً تاجر اگر در حاصی پول کم آورد احکام در شکست برای او اجرائی شود و نمی توان حکم اعسار را اجرائی کرد.
- ← قانونی و اوضاع و احوالی که خود قانون گذار دلیل بر امری دانسته است.
- ← اماره قضایی و اوضاع و احوالی که در نظر قاضی دلیل بر امری باشد.
- این اماره خلافش قابل اثبات است ولی اگر خلافش ثبت نشد طبق اماره عمل هر شود.

نکته :

این اماره هم می تواند به نفع تاجر باشد و هم به ضرر او. به ضررش مثل اینکه طلبکار از ادشکایت کند و او را

در تسلیم اعلام کنند.
به شخص مثل اینکه اگر تاجر باشد فلات مزین را دارد و شخص می تواند با این بیت ثابت کند که تاجر است.

البته اگر کسی خود را به بیت نرساند ولی به تاجر بودن او بیت بلکه از وضعیت خود سر بیرون کرده است.

نکته:

این نکته ما نیز اهمیت است که شخص که خود را در دفتر ثبت تجاری ثبت کرده است در صورتی تاجر شناخته می شود که شغل معمول او تجاری باشد پس اگر به ثبت در دفتر ثبت تجاری نیاید تاجر نیست.

سوال:

اگر شخص خود را در دفتر ثبت تجاری ثبت نکرد ضمانت اجرا ایا اوست؟
۱- ضمانت اجرا های اداری که مقدر است باعث می شود تاجر حتما خود را در دفتر ثبت تجاری ثبت کند پس اگر تاجر خود را به ثبت نرساند برایش امکان فعالیت تجاری نیست مثلا برای فروش از او شماره ثبت می خواهند.

۲- کسی که خود را به ثبت نرسانده است به او دفتر تجاری داده نمی شود و کسی که دفتر تجاری ندارد از مزایای آن بهر خودداری نیست.

مشکلات ثبت:

- ۱- سگن است اطلاع عامه را که تاجر داده است حقیقه و درست نیاید.
- ۲- اطلاعات تجاری به راحتی قابل دست رس است.

استناد:

کسبی چیزی از تکالیف و التزامات تجاری معاف هستند.
کسبی چیزی و ماده ۱۹ آیین نامه ۱۳۸۱ کسب امیه که میزان فروش سالانه حداقل ۱۰ میلیون تومان بستری نیاید. کسانی که میزان دریافتی در تبادل خدمات سالانه حداقل ۵ میلیون تومان بستری نیاید.

اشکال:

۱- این مبالغ امروزه بسیار ناچیز است مثلا اینکه این مبالغ بزرگ شوند.

۲- اگر قرار باشد میزان درآمد سالانه ملاک باشد ممکن است در یک سال کسب هزینه باشند و پس در سال دیگر تا جبر محسوب گردند.

سوال:

کسب هزینه تا جبر هستند یا خیر؟

عده ای می گویند تا جبر نیستند زیرا وظایف تجار را ندارند.
عده ای می گویند تا جبر هستند زیرا اشغال معمولی آنها تجاری است پس آن توان مالی او از بین رود و رخصت است و پس قانون گزار از باب تخفیف از آنها و وظایف تجار را سلب کرده است.

۱۲ تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری:

قانون تجار را موظف به تنظیم حداقل ۳ دفتر و نگهداری از آن کرده است.

- ۱- دفتر روزنامه
- ۲- دفتر کل
- ۳- دفتر دارایی
- ۴- دفتر کسب

۱- دفتر روزنامه و تا جبر روزانه کلیه حسابها و معاملات تجاری و هزینه هزینه های شخصی به از صندوق برداشت می کنند را ثبت می نماید. ماده ۱۷ دفتر روزانه دفتری است که تا جبر باید هر روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجاری و معاملات را جمع به اوراق تجاری در از قبیل خرید و فروش و ظهر نویسی در به طور کلی جمع واردات و صادرات تجاری خود را به حواصم و ثبت می نماید و وجهه را که برای مفادج شخص خود برداشت می کند در آن دفتر ثبت نماید.

۲- دفتر کل: هفته ای یک بار این معاملات روزانه را به صورت جداگانه در دفتر کل ثبت می کنند مثلاً فروش را در یک جا، خرید را در یک جا، طلبکاری ها در یک جا و ...
ماده ۱۸ دفتر کل دفتری است که تا جبر باید کلیه معاملات را الا اقل هفته ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تفحص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوص در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند.

۳- دفتر دارایی: تا جبر سالانه یک بار حساب معاملات، تمام دارایی و ... را در دفتر دارایی ثبت می کنند.
ماده ۱۹ دفتر دارایی دفتری است که تا جبر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضای نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

۴- دفتر کسب: دفتر نامه های ارسالی و دریافتی که در این دفتر به ثبت می رسند. ماده ۱۰ دفتر کسب دفتری است که تا جبر باید کلیه معاملات و مقایرات و ضرورت حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ

ثبت نماید.

نکته ۱

امروزه به‌جای دفتر دارایی، توازننامه می‌تواند جایگزین آن باشد. این دفاتر برای اداره‌ی دارایی و مالیات کاربرد زیادی دارد. شرکتهای بسیاری باید هم دفتر دارایی و هم دفتر توازننامه داشته باشند. این ۴ دفتر تنظیمشان الزامی است.

فایده‌های دفاتر تجاری و

- ۱- تاجر از حساب و کتاب خود مطلع و علوی بسیاری از اختلافات گرفته می‌شود.
- ۲- علوی اختلافات ها گرفته می‌شود.
- ۳- تطابق دولت بر کار تاجر.
- ۴- تعیین مالیات.
- ۵- سندیت دفاتر تجاری [یعنی این دفتر یک دلیل برای اثبات دعوا به نفع تاجر است.]

ضمانت اجرا:

سوال: در صورتی که تاجر از تنظیم دفتر خودداری کرد و یا به صورت درست تنظیم نکرد ضمانت اجرای این تخلف چیست؟

ماده ۱۵ [تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱ مستلزم ردسیت ناده هزار ریال جزای تفری است، این مجازات را محکمه حقوق رأساً و بدون تقاضای مدعی العموم می‌تواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر در شکسته که دفتر سرتب ندارد نخواهد بود.

ماده ۲۷۴ قانون مالیات مستقیم [موارد زیر جرم مالیاتی محسوب می‌شود و مرتکب یا مرتکبین به مجازات مندرجه ششم محکوم می‌گردند ۱- تنظیم دفاتر، اسناد و سوابک خلاف واقع و اسناد به آن ۲- ... ۳- اگر تاجر دفتر را تنظیم نکند و یا به صورت صحیح تنظیم نکند در صورتی که تاجر ورشکسته شود ممکن است این ورشکستگی بخاطر تقصیر و یا تقلب اعلام شود که در این صورت برای او مجازات در نظر گرفته می‌شود.

ماده ۵۴۲ [در موارد زیر مجازات ورشکسته شدن است در شکسته به تقصیر اعلان شود ۱... ۲... ۳- اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ و ۱۳۰۴ دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص و یا به ترتیب بوده یا در صورت دارایی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صحیح معین نکرده باشد (مشروط بر آنکه در این موارد مرتکب تقصیر نداشته باشد).]

ماده ۴۷۱ ق. تعزیرات مجازات در شکسته به تقصیر از شش ماه تا دو سال حبس است. [

ماده ۵۴۹ حر تاجر در شکسته این که دفاتر خود را مفقود ننموده یا قسمتی از دارایی خود را مفقود کرده یا بطریق مواضع و معاملات صورتی از میان برده و هم چنین ... در شکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می شود.]

ماده ۴۷۰ ق. تعزیرات [کما فی ذلک به عنوان در شکسته به تقلب معلوم می شوند به مجازات حبس از یک تا پنج سال معلوم خواهند شد.]
به غیر از موارد ذکر شده در این ضوابط های اداریه می باشد.

نحوه تنظیم دفاتر:

- ۱- وظیفه ی مأمور ثبت
- ۲- شماره ی ترتیب راسته باشد
- ۳- تعداد صفحات مشخص باشد
- ۴- مأمور ثبت در اول و آخر دفتر شماره ی صفحات را بنویسد
- ۵- نام شخص و تعداد صفحات را بنویسد
- ۶- آن را امضاء کند
- ۷- دفتر را سوراخ و نخ به همراه مهر سرپی از آن رد کند

ماده ۱۱۱ دفاتر مذکور در ماده ۴ به استثناء دفاتر ثبت قبل از آن که در آن چیزی نوشته شود توسط آن نبره ی اداره ی ثبت امضاء خواهد شد. [

ماده ۱۱۲ دفتری که برای امضاء به مقصدی امضاء تسلیم می شود باید در امری نبره ی ترتیب و قطبان گشوده باشد و مقصدی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شماره در اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به اسم درسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضاء در طرف قطبان را با مهر سرپی که وزارت عدلیه برای مقصود تهیه می نماید منقذ کند. لازم است کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.]

وظیفه تاجر

- ۱- وقایع به ترتیب نوشته شود
- ۲- در روی بطور نوشته شود
- ۳- بدون خط خوردگی و حک و اصلاح باشد
- ۴- بدون حاشیه نویسی
- ۵- بر حسب تاریخ نوشته شود.

ماده ۱۱۳ کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر منلوه فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود - تراشیدن و حک کردن و هم چنین های مضید داشتن بیش از آنچه که در دفتر نویسی معمول است و در حاشیه و بین سطرها نوشته ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از حق هر سالی لا اقل تا ۱۰ اسال نگاه دارد.]

نکته

ارائه این دفاتر تجاری در صورتی که دادگاه از تاجر درخواست کند الزامی است.

میزان اعتبار دفاتر تجاری :

تنظیم این دفاتر به دو گونه است :

۱) مطابق قانون تنظیم شده :

۱- طرف مقابل تاجر است ← الف - رعا تجاری است : دفتر تاجر علیه تاجر دیگر تنظیم دارد یعنی دفتر

به نفع صاحب دفتر اعتبار دارد. ماده ۱۴ ق. ت. [دوایان تجاری است]

ماده ۱۲۹۷ ق. م.

ب - رعا تجاری نیست و قانون صریحاً حکمی در این مورد ندارد ولی می توان

لغت اماره قضایی معسوب شود.

۲- طرف مقابل تاجر نیست و دفتر سند نیست [زیرا اخطاف عدالت است، زیرا این شخص در مقابل تاجر اسلامی

برای دفاع ندارد و حال آنکه هر دو آن تاجر بودند در مقابل هم سلاح دارند زیرا هر دو

دارای دفتر بودند.] اما ممکن است جزئی قرآن و امارات قضایی محسوب شود.

ماده ۱۲۹۸ ق. م.

۲) مطابق قانون تنظیم شده :

در تشریح نفع صاحب دفتر سندیت ندارد [اعتبار ندارد] بلکه علیه صاحب دفتر سندیت دارد [زیرا اقرار

کلیه است، پس اگر نوشته باشد بر همه فلان را دادم این قبول نیست، اما اگر نوشته باشد بر فلان بر حکام

این قبول است.] ماده ۱۳۰۰ ق. م. ، ماده ۱۲۸۱ ق. م.

مواد قانونی :

ماده ۱۴ ق. ت. [دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تجار برای امور تجاری خود تجاری بنند در صورتی که مطابق

مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تجار، در امور تجاری سندیت خواهد داشت و در غیر صورت

فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود]

ماده ۱۲۹۷ ق. م. [دفاتر تجاری در موارد دعوی تاجری بر تاجر دیگر در صورتی که دعوی از محاسبات و مطالبات

تجاری حاصل شده باشد دلیل معسوب می شود و طبر اینک دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت

تنظیم شده باشد.]

ماده ۱۲۹۸ ق. م. [دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزئی قرآن و امارات قبول

مقابلہ کی صورت میں...

مادہ ۱۳۰ ق.م [در صورتی کہ ذمہ تجارتی برفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او نسبت دارد] .
مادہ ۱۲۸۱ ق.م [قیدین در دفتر تجارتی بمنزله ای اقرار کتب است] .

نکته:

طرف مقابل [در جایی کہ دعویٰ بیخ تجارتی و از نوع دعویٰ تجارتی است] در حالت دارد:

- ۱) طرف مقابل دفتر ندارد : اقدام بر ضرر خود کرده است .
 - ۲) طرف مقابل دفترش مخدوش است : اقدام بر ضرر خود کرده است .
 - ۳) دفتر معتبر دارد : دو دفتر مطابق هم هستند : هر دو دفتر معتبر است .
- دفتر مقابل کاملاً معارض است : تعارضاً و ساقطاً [یعنی هر دو بی اعتبار هستند] .
دفتر مقابل در بعضی از مدعی تعارض دارد : در چنین تعارض ساقطاً می کنند اما در بخش موافق به هر دو محل می شود .

سوال:

اگر یک غیر تاجر علیه تاجر اقدامی دعویٰ کند آیا می شود به دفتر تاجر استناد کرد؟
بله می شود به دفتر او استناد کرد ولی نمی شود بین دفتر او و تعلقک قائل شد یعنی اگر در دفتر نوشته است بر هکاتم ولی در چیز منفی بعد نوشته است بر صبر را داده ام هر دو از او قبول می شود مثلاً این دفترش مخدوش است باید که در این صورت هر دو تعلقک قائل شد .

مادہ ۱۲۹۸ ق.م [اگر کسی به دفتر تاجر استناد کرد نمی تواند تعلقک کرده آنچه را کہ به نفع او است قبول داند]
کہ بر ضرر او است رد کند مثلاً آنکہ به اعتباری آنچه را کہ بر ضرر او است ثابت کند .
مادہ ۱۲۱۰ ق.م [چنانچه یکی از طرفین به دفتر بزرگان دفتر دیگر استناد کند ، دفاتر نامبرده باید در دادگاه ابراز شود ...]